

ابعاد امنیت در اندیشه و آراء امام خمینی (ره)

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۳/۱۵

تاریخ تأیید: ۱۳۸۹/۴/۲۹

فرهاد درویشی*

چکیده

رهیافت‌های گوناگونی در مطالعه ابعاد امنیت ملی وجود دارد. افراد و رهبران کشورها نگاه متفاوتی به امنیت ملی دارند. بررسی آراء و اندیشه‌های راهبران کشورها در این مورد می‌تواند نشان‌دهنده نگرش آنها به امنیت ملی و تعیین‌کننده اولویت‌های آنان در برخورد با مسایل و مشکلات امنیتی باشد.

این مقاله نگاهی دارد به آرا و اندیشه‌های امام خمینی (ره) در مورد ابعاد گوناگون امنیت ملی. پرسش اصلی مقاله این است که امام خمینی (ره) چه نگاهی نسبت به ابعاد گوناگون امنیت ملی داشت و این نگرش با کدام یک از رهیافت‌های موجود در این زمینه، نزدیکتر است؟ روش نوشتار حاضر برای درک و تبیین ابعاد امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره)، ارزیابی و بازاندیشی در مجموعه سخنرانی‌ها، پیام‌ها، مصاحبه‌ها و همچنین سیره عملی ایشان است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد امام خمینی (ره)، فراتر از بعد دنیوی و علاوه بر آن، به بعد اخروی امنیت اصالت داده و در عین حال، در جنبه مادی یا دنیوی نیز اهمیت والاتری برای بعد سیاسی امنیت قائل بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی (ره)، امنیت، امنیت ملی، سیاست، سعادت دنیوی و اخروی

* استادیار علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

مقدمه

بسیاری از صاحب‌نظران و محققان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، بر این اعتقادند که نیازهای امنیتی و یا تأمین امنیت ملی، اصلی‌مبنایی در تعیین اهداف سیاست خارجی و اداره روابط میان کشورهاست. اگر امنیت را یکی از مهمترین وظایف و کارکردهای دولت‌ها در عصر مدرن بدانیم، امنیت ملی بزرگترین دغدغه هر نظام سیاسی است که با عناصر اقتصادی، ایدئولوژیک، فرهنگی، اجتماعی و نظامی پیوند خورده است. اهمیت این موضوع در میان کشورهای در حال توسعه، دوچندان است، زیرا به قول سایق^۱ (۱۳۷۷: ۸)، امنیت در کشورهای در حال توسعه، امر پیچیده‌تری است و پیوندهای موجود میان ابعاد گوناگون آن بر پیچیدگی آن افزوده است.

آنچه در این مقاله مورد بررسی و تبیین قرار خواهد گرفت، این است که امنیت به مفهوم عام و به طور خاص در اندیشه و آراء امام خمینی (ره)، چه ابعاد و جنبه‌هایی دارد. بنابراین، هدف نوشتار حاضر، تبیین ابعاد امنیت ملی در پرتو بازشناسی و مطالعه دیدگاه‌ها و اندیشه امام خمینی (ره) است. پرسش اصلی مقاله این است که ابعاد امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره) با کدامیک از رهیافت‌های موجود سازگاری بیشتری دارد؟ بدیهی است برای پاسخ به این سؤال و ایضاح بیشتر آن، ابتدا باید به برخی سؤالات مقدماتی و فرعی نظیر اینکه اصولاً منظور از امنیت و ابعاد آن چیست؟ نظریه‌پردازان و مکاتب مختلف امنیت‌پژوهی چه دیدگاهی در باره ابعاد امنیت داشته و دارند و سرانجام اینکه، در اندیشه و آراء امام خمینی (ره)، ابعاد مختلف امنیت کدامند و هر کدام از آنها از چه مختصات و دقایقی برخوردارند؟ پاسخ داده شود. فرضیه اصلی مقاله این است که امام خمینی (ره) متأثر از رویکرد هستی‌شناسانه، انسان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه خویش، نگاهی فرادنیوی به مقوله امنیت داشته و بر همین اساس، ایشان فراتر از رویکردهای موجود، امنیت را حتی در سطح ملی و اجتماعی آن، در خدمت فرآیند شدن و غایت انسان - نیل به سعادت دنیوی و اخروی - دانسته و از این رو، ابعاد متنوع‌تری برای امنیت قائل بوده‌اند.

روش نوشتار حاضر برای درک و تبیین ابعاد امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره)، ارزیابی و بازاندیشی در مجموعه سخنرانی‌ها، پیام‌ها، مصاحبه‌ها و همچنین، سیره عملی ایشان است. بدین منظور، مقاله حاضر از سه قسمت تشکیل شده است. ابتدا و به اختصار، به توصیف مفهوم امنیت ملی و تشریح دقایق و خصایص آن پرداخته می‌شود. در قسمت دوم، رویکردهای رایج در زمینه ابعاد امنیت معرفی و بررسی می‌شوند و قسمت سوم به ابعاد امنیت در اندیشه و آراء امام خمینی (ره)، اختصاص یافته است.

الف. تبیین و ایضاح مفهوم امنیت

به رغم تلاش‌ها و مجاهدت‌های علمی فراوان، دستیابی به تعریف جامع و مانع از مفهوم امنیت، به شدت دشوار است. این مفهوم واجد خصایص و صفاتی است که محققان را برای دستیابی به تعریف مشترک با دشواری‌های جدی مواجه می‌کند. کوشش مقاله حاضر برای این منظور نیز بیش از آنکه ادعایی درباره ارائه تعریف جامع و مانع باشد، پیش‌فرضی است تا بر اساس آن بتوان در باره ایده اساسی مقاله - کنکاش در مورد ابعاد امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره) - با سهولت بیشتری سخن گفت.

امنیت، مفهومی به شدت ذهنی، نسبی و برساخته اجتماعی است. قدمت اندیشه درباره این مفهوم به آغاز حیات بشری و زیست اجتماعی او باز می‌گردد. در عین حال، مجادلات درباره امنیت از پایان جنگ جهانی دوم به بعد به مجامع آکادمیک راه پیدا کرد. با وجود گذشت بیش از شش دهه از مناظرات در باب این مفهوم، کماکان عدم اتفاق نظر در بین محققان در فهم چیستی آن، نظر مشترک تلاش‌های فکری مذکور می‌باشد. تریف^۱ و همکارانش معتقدند نبود تعریف واحد و پذیرفته شده برای امنیت و وجود رویکردهای نظری گوناگون برای بررسی آن، این پرسش را پیش می‌آورد که هر کس چگونه امنیت را تعریف می‌کند. به زعم مورگنتا، این پرسش پاسخ آسانی ندارد. هنگام ارائه تعریف، برخی چیزها را در دل تعریف می‌گنجانیم و چیزهای دیگری را کنار می‌گذاریم (۱۳۸۳-۱۱).

1. Terry Terriff

گذشت زمان، نه تنها به بحث‌ها درباره چیستی و ماهیت مفهوم امنیت پایان نداده است، بلکه برعکس، از دهه ۱۹۸۰ به بعد و با پایان جنگ سرد و فروپاشی بلوک شرق و شوروی سابق، مباحث مذکور به عنوان یکی از نقاط کانونی رشته روابط بین‌الملل و مطالعات استراتژیک، ابعاد وسیع‌تری یافته است.

مقاله حاضر، با پذیرش ادعای مورگنتا مبنی بر اینکه هر تعریفی شامل پذیرش برخی چیزها و کنارگذاشتن برخی چیزهای دیگر است و به عنوان پایه‌ای برای مباحث آتی خود، امنیت (ملی) را به عنوان شرایط و فضایی تعریف می‌کند که طی آن، هر ملت قادر است از اهداف و ارزش‌های حیاتی مورد نظر خود در سطح ملی و فراملی محافظت نماید و یا آنها را گسترش دهد (درویشی، ۱۳۷۶: ۱۱).

بر اساس این تعریف، شرایط و فضای امن برای نظام‌های سیاسی و جوامع مختلف متفاوت است، زیرا تمامی ترجیحات ارزشی آنها یکسان نیست، حتی اگر برخی از این ترجیحات، نظیر بقاء فیزیکی یا رفاه و آبادانی، فصل مشترک همه آنها باشد.

پذیرش تعریف مذکور از امنیت، خواه‌ناخواه الزاماتی را به دنبال دارد که تذکر آنها خالی از فایده نیست: اولاً امنیت امری نسبی است، به این معنا که به هیچ زمان و مکانی نمی‌توان اشاره کرد که در آن امنیت به طور مطلق تحقق پیدا کرده و یا پیدا کند. ثانیاً، امنیت امری ذهنی است، چون بسیاری از ترجیحات ارزشی انسان‌ها فاقد مابه‌ازاء عینی و مشخصی هستند. ثالثاً، امنیت امری برساخته اجتماعی است، به این معنا که به شدت زمانمند و مکانمند (زمان پرورده و زمینه پرورده) می‌باشد. به عبارت دیگر، نه تنها نمی‌توان از ترجیحات ثابت و مشترک جوامع مختلف (به دلیل تاریخ و فرهنگ متفاوت) سخن گفت، بلکه و حتی مهمتر از آن، در هر جامعه مشخص هم نمی‌توان بر ترجیحات ثابت و مشترک نسل‌های مختلف آن (به دلیل تأثیرپذیری اذهان عمومی از عوامل مختلف) تأکید کرد.

در قسمت بعدی مقاله، به این نکته اشاره خواهد شد که چگونه ترجیحات ارزشی مختلف در زمان‌ها و جوامع گوناگون، به متفاوت دیدن موضوع امنیت و توسعه ابعاد آن انجامیده است. به نظر می‌رسد تنها با لحاظ کردن این نکات است که بحث درباره ابعاد امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره)، با همدلی بیشتری درک و فهم خواهد شد.

ب: مروری بر رویکردهای رایج در زمینه ابعاد امنیت

هدف اساسی این بخش، آشنایی با رویکردها و دیدگاههای گوناگونی است که درباره ابعاد امنیت ملی وجود دارد. ایضاح این موضوع، مقدمه و تمهیدی است برای ورود به قسمت بعدی که جان کلام مقاله را تشکیل می‌دهد. به نظر می‌رسد آگاهی از چگونگی نگرش امام به مقوله امنیت، آنگاه اهمیتش دو چندان می‌شود که با تأمل در رویکردهای موجود، نقاط اشتراک و افتراق آنها با نگرش امام آشکار شود.

پرداختن تفصیلی به ابعاد امنیت و تحولاتی که امنیت از این حیث به خود دیده است، مجال فراخی را می‌طلبد، به گونه‌ای که تا کنون نیز برای پردازش آن، مقاله‌ها و کتاب‌های مستقلی به رشته تحریر در آمده است. آنچه در این بخش خواهد آمد، جمع‌بندی مختصری از روایت تحول و توسعه ابعاد مفهوم امنیت ملی از آغاز تا کنون است، تا مقدمه‌ای باشد برای ورود به بخش بعدی مقاله. به دلیل در هم تنیدگی نحله‌ای مختلف فکری در نوع نگاه به موضوع ابعاد امنیت ملی، ترجیح داده شد تا این نگرش‌ها و رویکردها، بیش از آنکه به افراد یا مکاتب فکری ارجاع داده شوند، ناشی از نوع نگاه و ماحصل تأملات آنها تصویر گردند. رویکردهای رایج درباره ابعاد امنیت ملی را در یک تقسیم‌بندی، می‌توان در چهار دسته و گروه طبقه‌بندی کرد:

۱. رویکرد سنتی

در این رویکرد که آن را مدل کلاسیک یا سنتی می‌نامند، نظریه واقع‌گرایی وجه غالب را دارد و از پایان جنگ جهانی دوم تا اوایل دهه ۱۹۶۰، بر ادبیات امنیتی غلبه داشته است. در این رویکرد، دولت یگانه بازیگر روابط بین‌المللی است، امنیت مهم‌ترین هدف و قدرت نظام و دیپلماسی، مهم‌ترین سازوکارهای تأمین آن به شمار می‌آیند. همچنین، امنیت با بقا و حفظ فیزیکی نظام سیاسی و حکومت، مساوی قلمداد شده و تهدید امنیتی به منزله خطراتی است که از جانب ابزار نظامی متوجه جان، مال، سرزمین و حاکمیت کشورهاست. در این رویکرد، امنیت در مقایسه با دیگر واژه‌ها استقلال کمتری دارد و در بهترین حالت، نقش الحاقی و

جزیی در مدل قدرت در روابط بین‌الملل ایفا می‌کند (Lohalekar, 1991: 2). در این چارچوب، تهدید اصلی امنیت ملی هر کشوری، تهدید نظامی است و تنها راه مقابله با آن نیز به کارگیری سخت‌افزارهای نظامی می‌باشد (میرا، ۱۳۶۷: ۳۴۴).

۲. رویکرد لیبرالی

با آغاز دهه ۱۹۶۰ و در کشاکش جنگ سرد، دنیا شاهد از هم پاشی و سقوط نظام‌هایی بود که به ظاهر و از لحاظ توان و قدرت نظامی، چنین آینده‌ای برای آنها پیش‌بینی نمی‌شد. در این دوره، دو بعد دیگر امنیت و البته در کنار بعد نظامی، مطرح شدند: سیاست و اقتصاد. فساد و ناکارآمدی سیاسی و اقتصادی، دو بعد جدیدی بودند که توجه صاحب‌نظران را به خود جلب ساختند. طرح ایده امنیت مساوی است با توسعه، از سوی کندی و مشاور امنیت ملی اش مک نامارا، دریچه جدیدی را در مباحث مربوط به ابعاد امنیت ملی گشود. از آن پس، تهدیدات امنیتی نه فقط تهدیدات نظامی و آن هم از نوع خارجی، بلکه در کنار آن، تهدیدات سیاسی و اقتصادی قلمداد شدند که عمدتاً از سوی نیروهای داخلی، مشروعیت و کارآمدی نظام‌ها را نشانه رفته بودند.

در کنار ارزش حفظ تمامیت ارضی و بقای نظام سیاسی حاکم (بعد نظامی)، ارزش‌های دیگری نظیر ایجاد شرایط لازم برای رفاه اقتصادی و عدالت اجتماعی (بعد اقتصادی)، مردمسالاری و چرخش قدرت و حقوق و آزادی شهروندان (بعد سیاسی) نیز در قالب ارزش‌های ملی، به توسعه دامنه ابعاد امنیت ملی انجامیدند (Almashat, 1985).

چنین برداشتی از ابعاد امنیت ملی، در تعریفی که الیوت^۱ و ریجینالد^۲ از امنیت ملی می‌کنند، به وضوح آشکار است: «کشوری دارای امنیت ملی است که در وضعیتی قرار داشته باشد که در آن به صورت نسبی یا کامل، از تهدیدات احتمالی نظامی، سیاسی و یا اقتصادی دیگر کشورها به دور باشد (1989:71).

1. Jeffrey M. Elliot

2. Robert Reginald

۳. رویکرد مکتب کپنهاگ

دهه ۱۹۸۰ میلادی، دهه سرنوشت‌سازی در روابط بین‌الملل بود و از این حیث، مفهوم امنیت و ابعاد آن نیز از جمله مفاهیمی بود که در ادبیات مطالعات راهبردی و امنیتی، مورد توجه وسیع محققان این رشته‌ها قرار گرفت.

بوزان^۱ و همکارانش در مکتب کپنهاگ، ایوب^۲، کولدزیج^۳، اولمان^۴، بوث^۵، توماس^۶، کلارک^۷ و دیگران، از جمله محققانی بودند که سهمی اساسی در توسعه ابعاد امنیت داشتند. مطالعات محققان اخیر بر این نکته اساسی تأکید داشتند که مفهوم امنیت نباید صرفاً به حوزه مسایل و تهدیدات نظامی محدود شود. امنیت معنای عام‌تری است که نه فقط می‌توان آن را در عرصه نظامی به کار بست، بلکه در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی نیز قابلیت کاربرد دارد (شیهان، ۱۳۸۸: ۶۴).

بوزان در کتاب مردم، دولت‌ها و هراس، که هم‌اکنون مرجع کلاسیک در مجامع اکادمیک به شمار می‌آید، امنیت اجتماعات انسانی را تحت تأثیر عواملی در پنج بخش عمده قرار می‌دهد (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴) که عبارتند از نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی. نکته قابل توجه در دیدگاه بوزان این است که این پنج بخش، جدای از یکدیگر عمل نمی‌کنند، به طور اجتناب‌ناپذیری به هم وابسته‌اند و به صورت‌های مختلفی با هم تداخل دارند (شیهان، ۱۳۸۸: ۶۸).

بنابراین، در نگرش جدید که تا حدود فراوانی معلول پایان جنگ سرد و گسترش ارتباطات بین‌المللی ناشی از توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بود، دو بعد امنیت اجتماعی و امنیت زیست‌محیطی به ابعاد امنیت ملی افزوده شد.

منظور از امنیت اجتماعی از دیدگاه بوزان و همکارانش، توانایی جامعه برای حفظ ویژگی اساسی خود در برابر شرایط متحول و تهدیدات واقعی یا احتمالی است.

1. Barry Buzan
2. Mohammed Ayoob
3. Edward A. Kolodziej
4. Richard H. Ullman
5. Ken Booth
6. Caroline Thomas
7. Ian Clark

به طور خاص، این نوع امنیت درباره قابلیت حفظ شرایط قابل پذیرش داخلی برای تکامل الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت ملی و رسوم است. در چارچوب این تعریف، مشخص شدن زمانی که تهدیدی علیه امنیت اجتماعی وجود دارد، دشوار است. امنیت اجتماعی درباره وضعیتی است که جوامع تهدیدی در مؤلفه‌های هویتی خود احساس کنند (موتیمر، ۱۳۸۰: ۳۸۸).

به لحاظ زیست‌محیطی، فعالیت‌های انسانی در سطوح منطقه‌ای و جهانی، آثار فوق‌العاده مخربی بر محیط زیست دارند. آنها امنیت زیست‌محیطی همه انسان‌ها و جوامع را در سطح جهانی تحت تأثیر قرار داده‌اند، به گونه‌ای که سرنوشت مشترکی را برای همه آنها رقم می‌زنند. مقابله با این تهدیدات و چالش‌ها، از عهده تک‌تک کشورها خارج است و نیاز به اقدامی مشترک و جهانی دارد. مسایل و مشکلات مربوط به گرم شدن زمین، بالآمدن سطح آب دریاها، سوراخ شدن لایه اوزون، آلودگی جو زمین، فرسایش خاک، کاهش منابع طبیعی زمین و انقراض نسل حیوانات، از جمله مسایل و چالش‌های زیست‌محیطی است (شیهان، ۱۳۸۸: ۶۹). توماس هامر دیکسون^۱ و همکارانش نیز استدلال می‌کنند که کمیابی منابع زیست‌محیطی، تهدیدی علیه امنیت است، چرا که می‌تواند باعث افزایش خشونت در جوامع گوناگون و جهان شود (موتیمر، ۱۳۸۰: ۳۹).

در مجموع، نویسندگان بسیار دیگری نیز نه تنها بین مسایل زیست‌محیطی و امنیت ارتباط برقرار می‌کنند، بلکه با این کار می‌خواهند نشان دهند باید تعریف جدیدی از مفهوم امنیت ارائه شود و در این تعریف، ابعاد دیگری که متأثر از تغییر مرجعیت امنیت از دولت به پدیده‌های دیگری مانند افراد، گروهها، مناطق زیستی و کل جهان است، دیده شود (میتوز، ۱۳۸۰).

اوج این رویکرد و تنوع‌بخشی به ابعاد امنیت را می‌توان در بیانیه‌ها و قطعنامه‌های صادره از سوی سازمان ملل و گزارش برنامه عمران ملل متحد در دهه ۱۹۹۰ مشاهده کرد که در آنها، مفهوم وسیع و گسترده امنیت انسانی مورد توجه قرار گرفت. در سند ۱۹۹۴ برنامه توسعه ملل متحد، امنیت انسانی وضعیتی تعریف می‌شود که در آن، مردم از قید و بندها و فشارهای

1. Thomas Homer Dixon

روحی و روانی که مانع رشد انسان می‌شود، آزاد و رها می‌شوند. امنیت انسانی عبارت است از اول، ایمنی از تهدیدات مزمن و دیرپا چون گرسنگی، بیماری و سرکوب؛ و دوم، در امان بودن از برهم خوردن ناگهانی و زیان‌آور الگوهای روزمره زندگی. در این برنامه، تأمین امنیت انسانی مستلزم رویکردی هفت‌بعدی است که در آن، ابعاد اقتصادی، غذایی، بهداشتی، زیست‌محیطی، شخصی، اجتماعی و سیاسی امنیت مورد توجه قرار می‌گیرد (شبهان، ۱۳۸۸: ۲-۲۴۱).

۴. رویکرد هستی‌شناسانه

امنیت هستی‌شناختی، بعد جدیدی است که در دهه اخیر بر ابعاد امنیت افزوده شده است. این بعد از امنیت، متأثر از چندین مکتب نظری و عملی، نظیر روان‌کاوی، نظریه روابط اشیا، نظریه مدیریت عدم قطعیت و نظریه مدیریت ترس و هراس و خصوصاً با اتکا به نظریه‌های آنتونی گیدنز^۱ و باتلر^۲، چارچوب‌بندی شده است.

این ادعا که امنیت هستی‌شناختی، نیاز اولیه و اصلی است، با این گزاره شروع می‌شود که بازیگران از عدم اطمینان و عدم حتمیت به عنوان تهدید هویتی، در هراسند. ناامنی هستی‌شناختی به وضعیتی اشاره دارد که در آن، شخص به ناتوانی عمیقی دچار شده و نمی‌داند با چه خطرهایی مقابله کند و کدامیک را نادیده انگارد. برعکس، امنیت هستی‌شناختی، وضعیتی است که در آن، فرد انتظارات مطمئنی راجع به روابط بین ابزار و اهداف دارد که بر زندگی اجتماعی وی حاکم است. فرد برخوردار از امنیت هستی‌شناختی، می‌داند چگونه اقدام کند و در نتیجه، چگونه خودش باشد. به همین اعتبار، جوامع برای تأمین هویت و تثبیت و تمایز آن با دیگران، در پی ثبات شناختی و معرفتی هستند. عادت به وضعیتی نسبتاً ثابت، نوعی اطمینان را به همراه دارد و دگرگونی و نامعلوم‌بودن آینده، همراه با ناامنی است. عنصر اصلی جامعه، هویت و تثبیت و تمایز آن از سایر جوامع است. یکی از راههای حفظ تمایز و تفاوت گروه‌ها، حفظ و عادی‌سازی روابط با سایر گروه‌هاست. چنین عاداتی روزمره بین گروهی و بین کشوری، به انسجام و یکپارچگی هویت گروه‌ها کمک می‌کند. بنابراین، می‌توان کشورها را به

1. Antony Giddens
2. Butler

گونه‌ای تصور کرد که تنها برای تأمین امنیت فیزیکی خود تلاش نمی‌کنند، بلکه برای حفظ هویت گروهی ملی تهییج و تحریک می‌شوند. ابتدای نیازهای گروهی به امنیت هستی‌شناختی بر نیازها و احتیاجات فردی، حاکی از آن است که نهادهای دولتی صرفاً برآیند نظرات تصمیم‌گیرندگان نیستند. همچنین، دولت‌ها تصویرهایی از خود به نمایش می‌گذارند که اعضا به طور پیچیده‌ای به آنها وابستگی خواهند داشت (شیهان، ۱۳۸۸: ۷۴-۲۶۴).

ج. امام خمینی^(ره) و ابعاد امنیت ملی

واکاوی اندیشه سیاستمداری همچون امام خمینی^(ره) که خارج از چارچوب‌های رایج علوم اجتماعی می‌اندیشید و عمل می‌کرد، به ویژه در خصوص مفاهیم مدرنی چون امنیت ملی، به غایت دشوار است. برای فهم بهتر نگرش امام به مقوله امنیت و ابعاد مختلف آن، می‌بایست اولاً غور و تأملی در مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی ایشان شود، چون به نظر می‌رسد موضوع امنیت همچون سایر مفاهیم و موضوعات سیاسی و اجتماعی، اجزایی از یک مجموعه فکری کلی و منسجم هستند که متأثر از نوع نگاه ایشان به عالم و آدم و اجتماع شکل می‌گیرند. تا نگاه کلان امام^(ره) یا مبانی فکری و فرائضی ایشان درک و فهم نشود، هرگونه نتیجه‌گیری از دیدگاه‌های ایشان درباره موضوعات خرد همانند امنیت ملی و ابعاد آن، ممکن است راهی به بیراهه باشد. ثانیاً، چون امام از مفاهیم جدید و خصوصاً برداشت‌های نو و دانشگاهی آنها (مثل مفهوم امنیت ملی و مشتقات آن) کمتر استفاده می‌نمود، با غور در ادبیات گفتمانی ایشان، تلاش شود آن دسته واژه‌ها و کلماتی که در ادبیات امام به مفهوم امنیت ملی و با برداشت مدرن آن نزدیکی و همخوانی دارد، شناسایی شوند تا از آن طریق به برداشت امام از امنیت و ابعاد آن پی ببریم.

۱. مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی اندیشه امام^(ره)

تأمین امنیت و امنیت ملی، یکی از وظایف اولیه و کارکردهای ذاتی دولت و اساس تشکیل نظام‌های سیاسی مدرن است. دولت‌ها موظف به فراهم‌ساختن شرایطی هستند که در آن، شهروندانشان بتوانند با آسودگی، ارزش‌های مورد قبول خویش را تحقق بخشند. ارزش‌ها

متأثر از ایدئولوژی‌ها، ادیان، فرهنگ‌ها، تاریخ و آداب و رسوم و فرآیندهای اکتسابی، از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر متفاوت هستند. همه عوامل مذکور به نوعی متأثر از نوع نگاه انسان‌ها به هستی، انسان و جامعه می‌باشد. ماهیت نظام‌های سیاسی و چگونگی کارکردهای گوناگون دولت‌ها - از جمله تحقق امنیت - به شدت از گفتمان حاکم در آن جامعه نسبت به سه مقوله هستی، انسان و جامعه تأثیر می‌پذیرد. بر همین اساس، اگر بخواهیم به تلقی و نگرش امام از امنیت و چگونگی دیدگاه ایشان نسبت به ابعاد آن پی ببریم، لاجرم و به عنوان مقدمه‌ای ضروری، باید ولو به اجمال، نگاهی به مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی امام داشته باشیم.

۱- ۱. مبانی هستی‌شناسی

امام خمینی، از حیث هستی‌شناسی، در زمره اندیشمندان اصالت وجودی قرار می‌گیرد. هستی در نگاه ایشان هدف‌دار و دارای مبدأ و معاد است. در این نگاه، جهان مادی در نازل‌ترین مرتبه وجود است. «عالم طبیعت در آخر موجودات عالم وجود واقع شده است... یعنی منتهی الیه عالم... پست‌ترین عالم‌ها عالم طبیعت است» (صحیفه امام، ج ۴: ۹). جهان عوالم گوناگونی دارد. «هستی اعم از غیب و شهادت است و چیزی که ماده ندارد، می‌تواند موجود باشد» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۲۲۲). «تمام چیزهایی که در عالم واقع می‌شود از همان جلوه است و چون همه امور، همه چیزها از اوست و به او برمی‌گردد، هیچ موجودی از خودش چیزی ندارد» (تفسیر سوره حمد: ۱۰۴).

از ویژگی‌های اساسی این عالم، ابعادی چون غیب و شهود، غایت‌مندی، برخورداری از خالق مدبر، قانونمندی، ابتناء بر عدل، مسخر انسان بودن و صراط برای انسان می‌باشد. امام (ره) نظام هستی را نظام اکمل و احسن و جلوه حضور حق تعالی یا محضر خدا می‌داند. این سرا یعنی حیات دنیوی را دار فنا و تغییر دانسته و سرای جاویدان و آخرت را دار بقاء و ثبات و زندگانی ابدی می‌بیند. در نگاه ایشان، خداوند، قادر متعال خالق و آفریننده جهان هستی است و در نتیجه، مالک آن و دارای حاکمیت مطلقه بر آن است. او هادی، راعی، مدیر و مدبر کلیات جهان هستی است (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۱۴۶).

در نگاه امام، سه عالم ملک، ملکوت و لاهوت، از مراتب هستی می‌باشند (صحیفه نور، ج ۲۱: ۳۹۳). عالم ملک دنیاست و عالم ملکوت، عالم غیب است که ملکات صالحه و فاسده انسان در آن ظاهر می‌شود (صحیفه امام، ج ۵: ۶-۳۶۷). عالم لاهوت عالم وحدت است. عالم محسوس مرتبه نازل هستی است و عالم الوهیت، مرتبه اعلائی هستی و مقصد اعلائی است. (صحیفه امام، ج ۸: ۴۳۴)

در نگاه امام، کل هستی به عنوان نظام واحد، دارای اجزای مرتبط است. انسان موجود متحرک است، از مرتبه طبیعت تا مرتبه غیب، تا فنا در الوهیت. زندگی فردی و اجتماعی انسان باید با این کلیت منظم، هماهنگ شود. همانگونه که فطرت او با آن هماهنگ است. فلسفه تشریح الهی نیز هماهنگی مصالح انسان با مصالح هستی است (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۱۵۲)

۱-۲. مبانی انسان‌شناسی

انسان‌شناسی امام، بخشی از هستی‌شناسی ایشان است. ایشان انسان را در کلیت هستی و به عنوان بخشی اساسی از آن مورد بررسی قرار می‌دهد. از دیدگاه امام، انسان در بین تمامی مخلوقات هستی، اشرف و برتر است:

«انسان مجموعه همه عالم‌هاست. کأنه خدای تبارک و تعالی دو نسخه موجود فرموده است: یک نسخه تمام عالم، یک نسخه کوچک... یعنی انسان عصاره همه موجودات عالم است. یعنی در انسان همه چیز است» (صحیفه نور، ج ۸: ۲۵۴).

ایشان به تأسی از عالم هستی، انسان را نیز دارای مراتب وجودی دوگانه محسوس و نامحسوس می‌دانند:

«بدان که انسان، اعجوبه‌ای است دارای دو نشئه و دو عالم. نشئه ظاهره ملکیه دنیویه که آن بدن اوست و نشئه باطنه، غیبیه و ملکوتیه که از عالم دیگر است و نفس او، که از عالم غیب و ملکوت است، دارای مقامات و درجاتی است» (شرح چهل حدیث: ۵).

«انسان موجودی است که خدای تبارک و تعالی آن را خلق کرده است برای اینکه همه جهاتی را که در عالم هست، در انسان هست، متنها به طور بالقوه است، به طور استعداد است و این استعدادها باید فعلیت پیدا کند» (صحیفه نور، ج ۷: ۲۸۲).

در مقایسه دو عالم انسانی نیز، مرتبه طبیعی انسان بسیار نازل است و وظیفه انسان، ارجاع امور به مرحله توحیدی است:

«انسان یک مراتبی دارد که مرتبه طبیعی‌اش از همه مراتبش نازل‌تر است و محسوس ماست... اسلام برای برگرداندن تمام محسوسات و تمام عالم به مرحله توحید است. تعلیمات طبیعی و ریاضی (صرف) نیست. همه اینها را دارد. لکن اینها مهار شده به توحید، برگرداندن طبیعت و همه ظل‌های ظلمانی به آن مقام نورانی که آخر، مقام الوهیت است» (ج ۸، ص ۷-۶).

از دیدگاه امام، انسان برخوردار از عواطف، گرایش‌ها و معارف **حقه‌ای** است که خدای تعالی از بین جمیع مخلوقات صرفاً بندگان را به آنها مفضل ساخته است. فطرت انسانی و احکام آن از جمیع احکام بدیهیه بدیهی‌تر است. فطرت عشق به کمال و خیر مطلقه و فطرت تنفر از نقص و شر و شقاوت (شرح چهل حدیث: ۱۸۰-۱۸۱؛ شرح حدیث جنود عقل و جهل: ۷۶-۷۷). یکی از گونه‌های فطرت انسان، میل به آرامش و امنیت‌جویی اوست:

«بدان که یکی از فطرت‌های الهیه که مفضل شده‌اند جمیع عایله بشر و سلسله انسان بر آن، فطرت عشق به راحتی است، که اگر در تمام دوره‌های تمدن و توحش و تدین و سرخودی این نوع مراجعه شود و از تمام افراد عالم و جاهل، ضعیف و شریف، صحرائی و شهری، سوال شود که این تعلقات مختلفه و اهوویه متشنته برای چیست؟ و این همه تحمل مشاق و زحمات در دوره زندگانی برای چه مقصد است، همه متفق الکلمه با یک زبان صریح فطری جواب دهند که ما همه هر چه می‌خواهیم برای راحتی خود است» (شرح چهل حدیث: ۱۸۶).

در مجموع، از دیدگاه امام، انسان موجودی است که بالقوه توانایی و استعداد شدن و رسیدن به بالاترین مراتب کمال و درجات معنوی را داراست. ضرورت ارسال انبیا و رسولان الهی نیز به همین مسأله، یعنی تکامل‌پذیری و تکامل‌طلبی انسان باز می‌گردد، ولی اگر در حدود طبیعی و زیست مادی، چون سایر موجودات بود، نیازی به آمدن رسولان، تذکر و ابلاغ پیام الهی نیز نبود (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۱۶۴).

۳-۱. مبانی جامعه‌شناختی

مبانی جامعه‌شناختی امام(ره)، در راستای نگرش هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه ایشان قرار دارد. فلسفه تشکیل اجتماع و اوج تکاملی آن یعنی جامعه سیاسی و تشکیل حکومت و کارکرد سیاست، چیزی نیست جز به فعلیت رساندن استعدادهای خدادادی انسان در چارچوب و هماهنگی با نظام خلقت و هستی احسن و اکمل موجود:

«نوع انسان در دنیا با معاونت و معاضدت بعضی با بعضی زندگی راحت می‌تواند بکند. زندگانی انفرادی برای هیچ کس میسر نیست، مگر آنکه از جامعه بشریت خارج شده به حیوانات وحشی ملحق گردد و زندگانی اجتماعی، چرخ بزرگش، بر اعتماد مردم به یکدیگر می‌چرخد» (شرح چهل حدیث: ۴۶).

به عبارت دیگر، ضرورت شکل‌گیری اجتماعات انسانی و متعاقب آن، تشکیل حکومت‌ها و اجرای سیاست‌ها مرتبط با نگرش هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه وی می‌باشد، زیرا به رغم فطرت کمال‌طلب، حقیقت‌جو، عدالت‌خواه و جمال‌پسند انسان، این احتمال وجود دارد که در عالم طبیعت تحت سلطه قواعد طبیعی و مادی محض در آمده و از هدف اصلی خلقت که همانا رسیدن به مقام "کالالوهیه" است، بازماند (صحیفه امام، ج ۴: ۱۸۶).

تشکیل جامعه، پاسخ به یکی از نیازهای ضروری و فطری انسان است، اما از دیدگاه امام، جامعه و سیاست خوب آن است که «شرایط اجتماعی مساعدی برای تربیت افراد مؤمن و با فضیلت فراهم شود» (ولایت فقیه: ۴۰) و «علاوه بر امور مادی، به معنویت و حفظ و گسترش آن در جامعه توجه شود» (صحیفه نور، ج ۴: ۲۰).

«سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را مد نظر بگیرد و جامعه را در نظر بگیرد و اینها را هدایت بکند به طرف آن چیزی که صلاح‌شان هست، به صلاح ملت هست، صلاح افراد هست» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۴۳۳).

در مجموع، امام با تفکیک سه نوع سیاست شیطانی (ظالمانه و مبتنی بر خدعه و نیرنگ)، سیاست یک‌بعدی (عادلانه و مبتنی بر سعادت دنیوی انسان) و سیاست الهی (عادلانه و مبتنی بر سعادت دنیوی و آخروی انسان)، بر این نکته تأکید دارد که تنها در ذیل سیاست اخیر است که

امید می‌رود انسان بتواند در صراط مستقیم مورد نظر قرآن گام بردارد (نک. صحیفه امام ج ۱۳: ۳۳-۴۳؛ ج ۲۱: ۴۰۵ و ج ۱: ۲۶۹).

۲. امنیت و مفاهیم مرتبط با آن در کلام امام خمینی (ره)

در ادبیات گفتاری و نوشتاری امام (ره)، از واژه‌ها و مفاهیم مدرن کمتر استفاده می‌شد. مفهوم امنیت و امنیت ملی نیز چنین وضعیتی دارد. البته، این نباید به معنای کم‌اهمیت‌دانستن یا نادیده‌گرفتن موضوع از سوی ایشان قلمداد شود. اگر امنیت ملی را شرایط و فضایی بدانیم که طی آن هر ملت قادر است از ارزش‌های مورد نظر خویش محافظت نماید و در جهت نیل به آنها گام بردارد، بدیهی است این موضوع را به عنوان یکی از کارویژه‌های اساسی دولت‌ها، می‌توانیم در آثار و سخنان امام (ره) در قالب واژه‌ها و مفاهیم مختلف شناسایی نموده و با غور در آنها، به هدف اصلی خود که همانا تبیین ابعاد امنیت در اندیشه امام خمینی (ره) است، دست یابیم.

برای دستیابی به هدف مذکور، لازم است با اتخاذ رویکردی سه‌جانبه (ایجابی، سلبی و زمینه‌ای)، هم مفاهیمی که در راستای تحقق ارزش‌های مورد نظر کاربرد دارند (ایجابی)، هم مفاهیمی که نقش مانع یا مخرب برای ارزش‌های یادشده دارند (سلبی) و هم مفاهیمی که نقش زمینه‌ساز برای طرح و یا تحقق ارزش‌های یادشده دارند (زمینه‌ای)، مورد شناسایی قرار گیرند تا بر اساس آنها بتوان گزاره‌هایی را از موضوع بحث استخراج نمود. در جدول شماره یک، مفاهیم مورد نظر و میزان فراوانی آنها در مجموع مجلدات صحیفه امام (ره) آمده است:

جدول یک: میزان فراوانی واژگان مرتبط با موضوع امنیت ملی در صحیفه امام(ره)^۱

۱	کلید واژه	مشتقات آن	تعداد دفعات به کار رفته
۲	امنیت	امنیتی، امنیه، امنیتش، ...	۳۲۱
۳	دولت / وظایف دولت	دولتداری، دولتشان، دولتمردان، .	۶۱۲۵
۴	هجوم	هجمه، هجومش، هجومگر،	۳۱۱
۵	خطر	خطرات، خطر دار، خطرناک،	۹۸۹
۶	حفظ	حفاظت، حفظت، حفظش، ...	۳۱۶
۷	تهدید	تهدیدآمیز، تهدیدات، تهدید کننده...	۸۸
۸	جامعه	جامعت، جامعه ها، جامعیت...	۱۶۰۰
۹	انسان	انسانیت، انسان شناسی، انسان ها...	۴۸۵۳
۱۰	اسلام	اسلام خواهی، اسلام زدایی، ...	۳۱۶۶۹
۱۱	ایران	ایرانیان، ایرانی، ایرانیسیم، ایرانیها،	۱۲۲۰۰
۱۲	جمهوری	جمهوریت، جمهوری خواه،	۴۳۶۸
۱۳	ملت	ملتها، ملت گرایی،	۱۶۲۱۱
۱۴	استقلال	استقلالتان، استقلالمان.	۱۱۹۱
۱۵	دنیا	دوستی دنیا، دنیا طلبی، دنیوی...	۲۷۸۲
۱۶	دخالت	مداخله، دخالت نظامی	۱۰۶۲
۱۷	استقلال	استقلال سیاسی، استقلال فرهنگی	۱۲۰۰
۱۸	فرهنگ	فرهنگی	۱۴۰۰
۱۹	محیط زیست		۲
۲۰	ذخایر	ذخایر طبیعی	۳۰۰

۱. لازم به توضیح است که اعداد به کار گرفته شده در جدول، گرد شده‌اند.

(۱۲۰۰) و حفظ (۳۲۰) استفاده کرده است. کالبدشکافی معنا و مفهوم امنیت در کلام امام نیز جالب توجه است. در قریب یک چهارم از موارد مورد استفاده، منظور امام از امنیت و امنیتی، سازمان امنیت و نیروهای امنیتی رژیم شاه می‌باشد و بعد از آن، به ترتیب، نظم و ثبات داخلی، سلامت و آرامش ملت، شورای امنیت سازمان ملل، امنیت منطقه‌ای، امنیت جهانی و حفظ و تمامیت ارضی کشور، معانی مورد نظر امام از این مفهوم بوده‌اند.

۳. ابعاد امنیت در اندیشه امام خمینی (ره)

در کلام امام خمینی (ره)، نمی‌توان به صورت مستقیم نشانی از تأکید بر ابعاد امنیت ملی دید و یا ترجیحاتی در خصوص آن مشاهده کرد. توجه و تأکید بر بعدی از ابعاد امنیت ملی، استنباطی است که می‌توان از آرا و اندیشه‌های ایشان داشت. تأکید امام بر بعدی از ابعاد امنیت متأثر از مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناختی و سیاست‌شناسی وی است. با در نظر گرفتن تفاوت کلامی و گفتمانی امام با گفتمان و ادبیات مدرن مطالعات امنیتی، ابعاد امنیت در اندیشه ایشان را می‌توان به شرح ذیل مطرح کرد و توضیح داد.

۳-۱. بعد معنوی و اخروی امنیت

در نگاه امام، هدف اصلی دولت‌ها به عنوان متولیان اداره و تدبیر امور جوامع انسانی، جلوگیری از پیدایش مفسده و خروج آنها از دایره فطرت انسانی است. بر همین اساس، جهت‌گیری اصلی سیاست، علاوه بر تأمین نیازمندی‌های مادی و دنیوی انسان‌ها، فراهم‌ساختن بسترهای مناسب برای توسعه و تعمیق معنویت و هدایت آنهاست. این نکته، وجه ممیزه رویکرد امام نسبت به دیگر متفکران در زمینه ابعاد امنیت می‌باشد. برخلاف تمامی رویکردهای چهارگانه یادشده نسبت به ابعاد امنیت که صرفاً به ارزش‌های این‌جهانی و دنیوی شهروندان

توجه دارند^۱، امام اصولاً بعد اصلی امنیت انسان‌ها را اخروی دانسته و امنیت این‌جهانی در تمامی ابعادش را، مقدمه‌ای برای آن می‌داند:

«همه اینها مقدمه این است که یک آرامشی در این بلاد پیدا بشود و دنبال این آرامش یک سیر روحی پیدا بشود، یک هدایت به سوی خدا پیدا بشود. آن چیزی که اساس است سیر الی الله است، توجه به خداست، همه عبادات برای اوست. همه زحمات انبیا از آدم تا خاتم برای این معنا هست که سیر الی الله باشد» (صحیفه امام، ج ۱۹: ۵۱).

حتی از نظر امام، در نظر گرفتن همه ابعاد حیات اجتماعی باید معطوف به بعد اخروی انسان‌ها باشد. بعد اخروی امنیت بر بعد مادی آن اصالت دارد. اولی هدف و دومی ابزار و وسیله‌ای برای رسیدن به آن است. «سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و اینها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان هست...» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۴۳۲).

«در دنیای امروز، که گفته می‌شود دنیای صنعت است، رهبران فکری می‌خواهند جامعه بشری را نظیر یک کارخانه بزرگ صنعتی اداره کنند، در حالیکه جوامع از انسان تشکیل شده است که دارای بعد معنوی و روح عرفانی است. و اسلام در کنار مقررات اجتماعی، اقتصادی و غیره به تربیت انسان بر اساس ایمان به خدا تکیه می‌کند و در هدایت جامعه از این بعد بیشتر برای هدایت انسان به طرف تعالی و سعادت عمل می‌کند» (صحیفه امام، ج ۵: ۴۱۰).

وی معتقد است دولت‌ها اگر در تحقق ابعاد مادی مختلف امنیت به موفقیت کامل دست یابند، اما توجهی به بعد معنوی شهروندان خود نداشته باشند، صرفاً نیازهای مادی و حیوانی شهروندان خود را تأمین نموده و این خلاف فطرت بشری است.

۱. حتی رویکرد چهارم نیز که به بعد هستی‌شناختی و هویت اشاره دارد، دارای کارکردی این‌جهانی بوده و آرامش روحی و روانی انسان‌ها در دوران حیاتشان را مد نظر دارد. این ویژگی را نباید با تفکر امام که به آخرت و ماورالطبیعه و آرامش در آن دوران اعتقاد دارد، یکی دانست.

در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت امنیت معنوی و اخروی بشر از جایگاه ویژه‌ای در اندیشه امام خمینی (ره) برخوردار است. به یک اعتبار، می‌توان گفت فلسفه خلقت بشر و ارسال رسل (بعثت انبیا) و تشکیل اجتماعات سیاسی، تحقق چنین هدفی می‌باشد. بر این اساس، در اندیشه امام، بعد معنوی امنیت بر بعد مادی آن رجحان و برتری دارد.

در بررسی‌های نظری، عموماً امنیت را در قالب فقدان تهدید تعریف می‌کنند که جنبه مادی دارد. احساس فقدان تهدید، جنبه ذهنی است که به معنای عدم خوف، در امان بودن و اطمینان داشتن است و در بردارنده حالتی است که در آن فرد احساس آرامش می‌کند. از نظر امام، فرد تا زمانی که به خداوند متعال تکیه نزند، از چنین آرامش روحی و روانی برخوردار نخواهد شد. اطمینان از اعتقاد به خدا برمی‌خیزد و این وجه معنوی امنیت است، اما بعد مادی و معنوی امنیت از هم جدا نیستند. امنیت معنوی مربوط به آخرت نیست. این نوع امنیت در این دنیا نیز فراهم می‌شود. آنها در تعامل با هم هستند.

۳. بعد مادی و دنیوی امنیت

با وجود رجحان و برتری بعد اخروی امنیت در اندیشه امام، نمی‌توان این حقیقت را کتمان نمود که تحقق این بعد از امنیت، آنگاه امکان‌پذیر است که انسان در حیات دنیوی و مادی خویش، چه در سطح فردی و اجتماعی و چه در جنبه‌های مختلف آن (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، روانی و مانند آنها) از امنیت برخوردار باشد. با تأمل در آثار مختلف امام خمینی (ره)، می‌توان جنبه‌ها و وجوه گوناگونی را برای بعد مادی امنیت که دولت اسلامی مؤظف به تأمین آنهاست، برشمرد.

۳-۲-۱. بعد سیاسی

امام (ره)، به دلیل نگرش بنیادی خود به ارتباط عمیق سیاست و دیانت، تأکید بسیاری بر تشکیل دولت و نقش آن در هدایت جامعه و تأمین امنیت دنیوی و اخروی انسان‌ها دارد. وی نقش اساسی را به دولت می‌دهد و آن را در هدایت جامعه بسیار مؤثر می‌داند. در همین حال، امام دولت را در درون اهداف الهی و مقررات شریعت می‌نهد تا بر اساس آن، به گونه‌ای رفتار

نکند که امنیت و آسایش جامعه و آحاد مسلمانان به هم بریزد. امام(ره) برای تأمین امنیت انسان‌ها بر رفتار قاعده‌مند دولت تأکید می‌کند:

«هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن وارد شود یا کسی را جلب کند، یا نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید... یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هرچند گناه بزرگ باشد شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد...» (صحیفه امام ج ۱۷ ص ۱۴).

امام بر این عقیده است که اقدام خارج از قواعد و قوانین شرعی و اسلامی می‌تواند دولت را به عنصر تهدیدکننده امنیت تبدیل کند و آسایش روانی مسلمانان را به هم بریزد.

۳-۲-۲. بعد اقتصادی

بعد اقتصادی نیز یکی دیگر از ابعاد امنیت است که در آرا و اندیشه امام، ذیل امنیت جامعه مسلمانان معنا می‌یابد. امام به طور خاص، بعد اقتصادی امنیت را طرح نمی‌کند. این بعد از امنیت به بعد سیاسی و حکومتی امنیت برمی‌گردد. عملکرد دولت باید به گونه‌ای باشد که نیازهای مادی انسان‌ها را فراهم کند و توزیع ثروت در جامعه نباید به گونه‌ای باشد که موجب برهم‌زدن آرامش افراد شود. از نظر امام، هر چیزی که برابری را در جامعه از بین برده و امتیازات پوچ و بی‌محتوا را حاکم کند، غیر قابل قبول است و باید با آن مبارزه کرد (صحیفه امام ج ۵: ۳۸۸). امام به بعد اقتصادی امنیت از منظر اجتماعی نگاه می‌کند. عدالت مبنای آرامش است. بی‌عدالتی موجب از بین رفتن امنیت در جامعه می‌شود. «پیغمبر اسلام (ص) تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومت‌های جهان، لکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی» (صحیفه امام ج ۲۱: ۴۰۶). ایشان اصلتی برای بعد اقتصادی امنیت قایل نبود و تأکیدی بر آن نداشت، اما بی‌عدالتی را عامل برهم‌زننده امنیت می‌دانست.

۳-۲-۳. بعد فرهنگی و اعتقادی

در آرا و اندیشه امام(ره)، بیشترین تأکید بر بعد فرهنگی و اعتقادی امنیت است. اعتماد و اطمینان مبتنی بر اعتقاد به خداوند و توانایی جامعه مسلمانان در اداره جامعه و توکل به خدا برای یاری رساندن به انسان‌های مؤمن، بنیان امنیت در اندیشه امام است. امام در مبارزه با دولت‌های استعماری، همیشه بر بعد انسانی و توان انسانی تأکید داشت:

«اینها نیروهای انسانی ما را از بین بردند، نگذاشتند رشد بکند. در خود کشور ما جوری کردند که محتوای انسان را از بین بردند، یک صورتی گذاشتند و محتوا را گرفتند. طوری کردند که اعتماد ما هم به خودمان تمام شد. استقلال فکری ما را، استقلال روحی ما را، از دست ما گرفتند. این بدتر از آن استقلال‌گرفتنی بود که کشور ما استقلال نداشت» (صحیفه امام، ج ۱: ۲۳).

در همین حال، امام بر آزادی اندیشه تأکید دارد و بر این باور است که پرورش انسان‌ها در فضای آزاد امکان‌پذیر است. انسان‌ها در فضایی می‌توانند رشد و تعالی یابند که اجازه تبادل افکار و اندیشه بدون محدودیت‌های ساخته‌شده را داشته باشد. از نظر ایشان، در جامعه و حکومت اسلامی، همه افراد آزادند هرگونه عقیده‌ای داشته باشند (صحیفه امام، ج ۴: ۴۳۵).

«در جمهوری اسلامی ایران هر فردی از حق آزادی بیان و عقیده برخوردار خواهد بود» (صحیفه امام، ج ۵: ۱۳۹).

در اندیشه ایشان، ابعاد امنیت، همگی ابزارهایی برای تأمین هدفی ارزشمند هستند و آن همانا حفظ اسلام و تعالی انسان است. اگر بعد اعتقادی و فرهنگی در جامعه قوی باشد، تهدیدات اثری نخواهند داشت. حتی اگر امنیت مادی افراد از بین برود، آنها احساس ناامنی نمی‌کنند، زیرا هدف و غایت نهایی پابرجاست.

«ما خودمان را باید فدا کنیم برای اسلام، آمال و آرزوهایمان را باید فدا کنیم برای اسلام» (صحیفه امام، ج ۱: ۳۰۷).

«تکلیف ما این است که از اسلام صیانت کنیم و حفظ کنیم اسلام را» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۲۵۱).

«من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهانخواران بخواهند در مقابله دین ما

بایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد» (صحیفه امام، ج ۲۰: ۳۲۵). در اندیشه امام خمینی (ره)، همه ابعاد دیگر امنیت ذیل این هدف معنا و مفهوم می‌یابند.

۳-۲-۴. بعد نظامی

بعد نظامی امنیت در اندیشه امام (ره) در چارچوب، الزامات حکومت‌داری و ضرورت حفظ و تأمین امنیت جامعه مسلمانان در برابر هجوم بیگانگان طرح می‌شود. تا زمانی که تهدیدات نظامی وجود دارد، دولت اسلامی ناگزیر است با تجهیز مردم و تأمین تسلیحات مورد نیاز، به دفاع از میهن اسلامی برخیزد. این برداشت در اندیشه امام، جنبه شرعی نیز دارد و مبتنی بر یافته‌های عقلی است. ایشان در کتاب البیع، «حفظ مرزهای کشور اسلامی و جلوگیری از تسلط تجاوزگران بر آن عقلاً و شرعاً واجب» (البیع، ۱۳۷۸: ۴۶۲) می‌دانند.

۳-۲-۵. بعد هستی‌شناختی و هویتی

تأکید امام (ره) بر بعد معنوی و عقیدتی، نشان‌دهنده نگاه چندبعدی ایشان به امنیت است. هرچند امام در قالب مفاهیم مدرن سخن نمی‌گفت و اندیشه‌هایش در این قالب‌ها طرح نمی‌شد، اما نسبت به حفظ و تأمین ارزش‌ها و هویت‌های اسلامی به شدت حساس بود و تأکید می‌کرد. ایشان هر دو بعد مادی و احساسی و روانی امنیت را مد نظر داشت و افکار و عقاید خود را در قالبی خاص بیان می‌کرد: «همه مسئولان نظام و مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامی‌تان - به خیال خام خودشان - بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۳۲۸).

«من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۹۱).

اسلام هویت و هستی مسلمانان است. تهی کردن جامعه از ارزش‌های اسلامی، به معنای نابودکردن آن است، حتی اگر به ظاهر پابرجا و حضور داشته باشد. در اندیشه امام، بقای

جامعه اسلامی به حفظ و تداوم ارزش‌های الهی بستگی دارد. ارزش‌های اسلامی به آنها هویت و معنا می‌دهد و تهدید این ارزش‌ها، تهدید هویت اسلامی جامعه و هستی آن است.

۳-۲-۶. بعد زیست‌محیطی

بعد زیست‌محیطی امنیت، یکی از مفاهیمی است که در زمان امام(ره)، حتی در فضای دانشگاهی هم مطرح نبود و از این‌رو، نمی‌توان انتظار داشت ایشان به این بعد از امنیت توجه کند. در عین حال، نگاه ایشان به مسایل زیست‌محیطی، مدرن و از منظر موضوعات حکومت‌داری بود که لازمه فراهم‌آوردن محیطی امن و آرام برای جامعه مسلمانان است. از این منظر، امام به بعد زیست‌محیطی امنیت توجه داشت و دست کم در چند مورد، بر ضرورت حفظ آن تأکید کرد. در یک مورد^۵ در پاسخ به یک نامه، مثال ضرورت حفاظت از جنگل‌ها را طرح کرده و می‌نویسد:

«... اینجانب لازم است از برداشت جنابعالی از اخبار و احکام الهی اظهار تأسف کنم... امروز هم شیعیان می‌توانند بدون هیچ مانعی با ماشینهای کدایی جنگلها را از بین ببرند و آنچه را که باعث حفظ و سلامت محیط زیست است را نابود کنند و جان میلیونها انسان را به خطر بیندازند و هیچ کس هم حق نداشته باشد مانع آنها باشد، منازل و مساجدی که در خیابان کِشیها برای حل معضل ترافیک و حفظ جان هزاران نفر مورد احتیاج است، نباید تخریب گردد و امثال آن و بالجمله آنگونه که جنابعالی از اخبار و روایات برداشت دارید، تمدن جدید بکلی باید از بین برود و مردم کوخ‌نشین بوده و یا برای همیشه در صحراها زندگی نمایند...» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۴۹).

نتیجه‌گیری

از جنبه مادی، امام خمینی(ره)، ابعاد گوناگونی را برای امنیت ملی در نظر داشته‌اند. از این حیث، نگاه ایشان به ابعاد امنیت را می‌توان با رویکردهای متأخر نسبت به این موضوع، نزدیک دانست، با این تفاوت که امنیت انسان و جوامع انسانی را صرفاً محدود و خلاصه در بعد مادی آن نمی‌دانستند. امام(ره) به رغم اکراه در به کارگیری مفاهیم جدید، نگاهی مدرن به زندگی

اجتماعی داشت و از این رو، به طور ضمنی، نه تنها به ابعاد گوناگون امنیت توجه می‌کرد، بلکه از منظری وسیع و نگاهی پویا، تمام ابعاد مادی و معنوی مسایل را در نظر می‌گرفت. نگاه چندبعدی به امنیت، به او این امکان را می‌داد که در کنار مسایل اخروی و دینی، به تدبیر امور این جهانی نیز بپردازد.

نگاه چندوجهی امام به امنیت ملی، ویژگی دیگری هم دارد که آن را می‌توان نگرش تعاملی به امنیت ملی و فردی دانست. نکته قابل تأمل در اندیشه ایشان، این است که از یک منظر به فرد انسانی و از سویی، به دولت توجه دارد. ایمان و اعتقاد به خدا و رسیدن به نفس مطمئنه، مهم‌ترین مرحله در رسیدن به آرامش و امنیت است. این بخش از صحبت امام، در فرازهای گوناگون به افراد جامعه برمی‌گردد، اما در عرصه اجتماعی، ایشان امنیت فردی را با امنیت ملی و جمعی در تعامل دیده و در اندیشه سیاسی خود، بیشترین بها را به دولت ملی می‌دهد. تأکید امام (ره) بر دولت، هم از منظر کارگزاری امنیت است و هم به دلیل نقش برجسته آن در تأمین اهداف مادی و معنوی جامعه و مسلمانان.

نکته دیگر این است که ابعاد مادی امنیت، در نگاه امام به امنیت ملی، اهمیت یکسانی ندارند و اولویت آنها در زمان‌های مختلف تغییر می‌یابد. پس از تشکیل حکومت به عنوان ابزاری ضروری تأمین ابعاد مادی در قالب ابزارها و سازوکارهای تأمین امنیت، ابعاد معنوی نیز هم به عنوان سازوکار تأمین امنیت ظاهر می‌شوند و هم نقش پررنگی در هدف‌گذاری برای افراد و دولت دارند. در نگاه امام، این دو بعد از امنیت در تعامل با هم هستند، اما این بعد معنوی است که اصالت دارد.

در میان ابعاد پنجگانه امنیت، در اندیشه امام، بعد سیاسی اهمیت بیشتری یافته و دولت، نقش اساسی در تأمین امنیت و اهداف دارد. در نگاه ایشان، دولت تک‌بعدی و تک‌ساحتی نیست، بلکه ذوجهین و تعیین‌کننده است. نقش دولت در تأمین امنیت افراد در درون جامعه و در برابر دولت‌های دیگر، بسیار برجسته است. برای حفظ نظام سیاسی می‌توان بسیاری از احکام الهی را موقتاً تعطیل کرد. در این بعد، حفظ نظام سیاسی مستقر، امنیت ملی را تشکیل می‌دهد و سایر ابعاد امنیتی تحت‌الشعاع آن قرار می‌گیرند. اینکه امام به بعد سیاسی اهمیت زیادی می‌دهند، جنبه دیگر هم دارد و آن تأکید بر مشروعیت دولت و رضایت مردم از آن

است. در نگرش امام، دولتی می‌تواند پابرجا باشد که از مشروعیت کافی برخوردار باشد. از این منظر هم بعد سیاسی امنیت اهمیت بیشتری دارد. رضایت مردم می‌تواند ضامن بقای دولت و امنیت جامعه در برابر تهدیدات بیرونی نیز باشد.

در مجموع، امنیت و امنیت ملی در اندیشه امام، ابزار است نه هدف. کما اینکه، کل سیاست نیز ابزار است. ابزاری در خدمت سیر الی الله در دنیای فانی طبیعت. به دیگر سخن، امنیت بخشی از سیاست است و سیاست خود متأثر از نگاه هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه اوست. اگر سیاست را شرایط و فضایی بدانیم که ارزش‌های هر ملت در آن حفظ می‌شود و از قوه به فعلیت در می‌آید، امنیت کارکردش از نظر امام ایمن‌ساختن و هموارکردن این شرایط است. دولت نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین امنیت دارد. از این‌رو، در اندیشه امام، بعد سیاسی امنیت به نسبت ابعاد دیگر اهمیت بیشتری یافته و نقش مؤثرتری در تأمین امنیت ایفا می‌کند.

منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)؛ «ساخت دولتی امنیت ملی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال چهارم، شماره سوم پاییز (۲۵۷-۲۷۹).
- امام خمینی، روح الله (۱۳۷۸)؛ *شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ شانزدهم.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۷۸)؛ *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۲۱ جلدی.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۷۸)؛ *کتاب البیع*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۹، ۵ جلدی.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)؛ *مردم، دولت‌ها و هراس*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تریف، تری و دیگران (۱۳۸۳)؛ *مطالعات امنیت نوین*، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جمشیدی، محمد حسین (۱۳۸۴)؛ *اندیشه سیاسی امام خمینی (س)*؛ تهران: پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.
- درویشی، فرهاد (۱۳۷۶)؛ *تأملی نظری بر امنیت ملی: تمهیدات و رهیافتها*، تهران: انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.
- سایق، یزید (۱۳۷۷)؛ *امنیت در کشورهای در حال توسعه، رویارویی با سده بیست و یکم*، ترجمه مصطفی ایمانی و علیرضا طیب، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- شهبان، مایکل (۱۳۸۸)؛ *امنیت بین‌الملل*، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- ماندل، رابرت (۱۳۷۷)؛ *چهره متغیر امنیت ملی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- موتیمر، دیوید (۱۳۸۰)؛ «فراسوی استراتژی: اندیشه انتقادی و مطالعات امنیتی نوین»، ترجمه محمود عسگری، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال چهارم، شماره سوم، شماره مسلسل ۱۳.
- میتوز، جسیکا تاچمن (۱۳۸۰)، «محیط زیست و امنیت بین‌الملل»، در *ارزیابی‌های انتقادی در زمینه امنیت بین‌الملل*، گردآوری و ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی، صص ۹۳-۵۹.
- میرا، ک.پ (۱۳۶۷)؛ «امنیت ملی در جهان سوم: نیاز به چهارچوبی جدید»، *فصلنامه سیاست خارجی*، شماره سوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.

- Almashat, A.M(1985); *National Security in the Third World*, S.S.A : West View Press.
- Ayoob, Mohammed(1995); *The Third World Security Predicament: State Regional Conflict, and the International System*, Boulder Co: Lynne Rienner.
- Booth, Ken(1991); " Security and Emancipation", *Review of International studies*, 17 (4), October.
- Buzan, Barry(1991); *People, States and Fear: An Agenda for International Security Studies in the Post-Cold Era*, second edition, Boulder Co: Lynne Rienner.
- Clark, Ian(1989); *The Hierarchy of states: Reform and Resistance in the international Order*, Cambridge University Press.
- Elliot, Jeffrey and Robert Reginald(1989); *The Arms, Control, Disarmament and Military Security Dictionary*, California; ABC. CLIO, Inc and Oxford: Clio press ltd.
- Kolodziej, Edward, A.(1992); "What is security and security studies? ", *Arms Control*, 13(1), pp. 1-31.
- Lohalekar, D.b(1991); *US Arms to Pakistan*, New Delhi.
- Thomas, Caroline(1987); *In Search of Security: the Third World in International Relations*, Boulder Co: Lynne Rienner.
- Ullman, Richard H.(1983);" Redefining Security", *International Security*, 8, Summer.